



## درس فایز فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۹ مهر ۱۳۹۶

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - السایع: الحلال المختلط بالحرام ...

مصادف با: ۱ صفر ۱۴۳۹

موضوع جزئی: جهات چهارگانه - جهت دوم: ثبوت خمس - ادله - بررسی دلیل سوم (روایات) - روایات معارض

جلسه: ۱۰

سال هشتم (سال پنجم خمس)

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد روایات فی الجملة دلالت می‌کنند بر وجوب خمس در مال حلال مخلوط به حرام. هفت روایت خوانده شد؛ حداقل سه روایت از این هفت روایت، هم از نظر سندی و هم از نظری دلالی مشکلی نداشتند، لذا اجمالاً برخی از روایات دلالت بر وجوب خمس در مانحن فیہ دارند.

لکن در مقابل، برخی از اعلام مدعی شده‌اند روایاتی در برابر این روایات و معارض با آن‌ها وجود دارد. طبق این روایات، خمس در مال حلال مخلوط به حرام، واجب نیست.

عرض شد اگر بخواهیم روایات معارض را دسته بندی کنیم، چند طایفه روایت وجود دارد که معارض با این روایات است. طایفه اولی، روایاتی است که دلالت بر جواز خرید از ظالم، غاصب و سارق می‌کند. ظالم کسی است که مال را به ظلم از دیگران گرفته است؛ اموالی که غاصب و سارق دارند، اموالی است که به ناحق از دیگران گرفته‌اند [یعنی مال حرام]. مع ذلک این روایات دلالت بر جواز شراء از این سه گروه کرده است.

یک روایت در جلسه گذشته خوانده شد. دو روایت دیگر در این باب وجود دارد:

### روایت دوم

صحيحه ابی بصیر: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا (ع) عَنْ شِرَاءِ الْخِيَانَةِ وَالسَّرِقَةِ؛ مَنْ مِنْ أُولِي الْأَمْرِ (كَيْفَ) يَأْتِي بِهَا؟ قَالَ: لَا إِذَا أَنْ يَكُونَ قَدْ اخْتَلَطَ مَعَهُ غَيْرُهُ فَأَمَّا السَّرِقَةُ بَعِيْنَهَا فَلَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِنْ مَتَاعِ السُّلْطَانِ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ؛» (ع) امام (ع) می‌فرماید: خرید مال سرقت و خیانت، جایز نیست؛ مگر این‌که مال دیگری با این مال مسروقه یا مالی که در آن خیانت شده، مخلوط شده باشد. یعنی یک مال حلالی با حرام مخلوط شده باشد؛ در این صورت خرید آن اشکالی ندارد. اما خرید مال مسروقه بعینه جایز نیست؛ مالی را که می‌دانید مال غیر است، حق ندارید بخرید. مگر این‌که آن مال مسروقه از متاع سلطان باشد که خود مال سلطان، مالی است که به ظلم از دیگران گرفته است. لذا در این صورت اشکالی ندارد.

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۱۰۸۸. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۳۵، باب ۱ از ابواب عقد البیع و شروطه، ح ۴.

این‌جا امام(ع) فرموده‌اند خریداری کردن مالی که حلال است و با حرام مخلوط شده، اشکالی ندارد و اساساً این‌جا فرموده بخرید و خمس آن را بدهید تا پاک شود. اصلاً بحث از لزوم اخراج خمس در این مال نیست. این معارض با روایاتی است که دال بر لزوم خمس هستند.

### روایت سوم

روایت سوم، روایت اسحاق بن عمار است. «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَشْتَرِي مِنَ الْعَامِلِ وَهُوَ يَظْلِمُ». می‌گوید درباره مردی سؤال کردم که از عامل [یعنی کسی که برای ظالم و سلطان عمل می‌کند] خرید می‌کند در حالی که او ظلم می‌کند. قَالَ(ع): «يَشْتَرِي مِنْهُ مَا لَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ ظَلَمَ فِيهِ أَحَدًا!». می‌تواند از آن عامل خرید کند مادامی که علم نداشته باشد به این‌که در مورد چیزی که خریداری کرده، به دیگری ظلم شده باشد.

این‌جا هم مثل دو روایت قبل، کأنه حکم به جواز شراء شده و امام(ع) فرموده می‌تواند این مال را بخرد و سخنی از پرداخت خمس نیست و این تا زمانی است که یقین به ظلم در خصوص آن مال نداشته باشد.

در این سه روایت، با این‌که اجمالاً معلوم است که در اموال ظالم و غاصب و سارق، حرام وجود دارد. امام فرموده‌اند خرید از این‌ها اشکالی ندارد و اساساً متعرض لزوم اخراج خمس هم نشده‌اند.

حداقل این است که این روایات، حتی اگر به خصوص دلالت بر عدم لزوم خمس در مانحن فیه نکنند، اطلاق این روایات شامل مانحن فیه می‌شود. این روایات مطلق است، اطلاقی که در این روایات هست، شامل مطلق مال حلال مخلوط به حرام می‌شود. یعنی کأنه اگر در جایی یک مال حلال با حرام مخلوط شود و نزد خود شخص این مشکل پدید آید، لازم نیست خمس بدهد و می‌تواند این مال را از این افراد خریداری کند.

### بررسی طائفه اول از روایات

این طائفه از روایات، دلالت بر عدم لزوم خمس در مانحن فیه ندارد و معارض محسوب نمی‌شود. دو اشکال نسبت به این روایات داریم:

**اشکال اول:** اساساً موضوع این روایات با موضوع محل بحث ما، متفاوت هستند. موضوع این روایات اختلاط الحلال بالحرام عند الغیر است. ظالم، سارق، غاصب که مال دیگران را گرفته‌اند و احياناً با مال حلال خودشان مخلوط شده و اکنون این مال را به دیگری می‌فروشند. یعنی اختلاط حلال و حرام، عند الغیر واقع شده است. لکن این مال را مشتری با شراء اخذ کرده است. امام(ع) فرموده مادامی که شما علم به خصوص آن مال مسروقه یا مغضوبه یا مورد ظلم واقع شده ندارید، می‌توانید آن را بخرید.

پس اشکال اول این شد که موضوع این روایات با روایات محل بحث ما متفاوت است؛ بنابراین تعارض در این‌جا معنا ندارد. تعارض در جایی است که روایات متعارض، ناظر به موضوع واحد باشند یا موضوع آنها یکسان باشد، در حالی که موضوع در این‌جا دو تا است. در یکی اختلاط عند الغیر واقع شده اما در روایات محل بحث ما، فرض این است که اختلاط در نزد خود این شخص واقع شده است.

<sup>۱</sup> - تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۳۱، ح ۵۷۷. کافی، ج ۵، ص ۲۲۸، ح ۳. وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۳۹۲، باب ۸ از ابواب الغصب، ح ۲.

**اشکال دوم:** اساساً ظهور این روایات جایی است که در ضمن مال خریداری شده احتمال وجود حرام داده می‌شود؛ یعنی کأن امام می‌فرماید درست است که می‌دانید اجمالاً در ضمن اموال غاصب، سارق و ظالم، مال حرام هست اما شما نمی‌دانید کدام است؛ آن چه را که از او می‌خرید، صرفاً در حدّ این است که احتمال می‌دهید این مال، مال حرام باشد؛ و به صرف احتمال نمی‌توانیم منع کنیم. لذا امام(ع) فرموده اشکالی ندارد.

اساساً موضوع بحث ما و روایات سابقه، آن جایی است که ما می‌دانیم این اختلاط واقعاً صورت گرفته است ولی موضوع این روایات، چیزی بالاتر از احتمال نیست. احتمال می‌دهیم در مالی که از این افراد خریداری می‌شود، حرام وجود داشته باشد. لذا امام(ع) می‌فرماید اگر بعینه بدانید که در آن حرام است، نمی‌توانید بخرید.

**اشکال سوم:** اطلاقی که مستدل ادعا کرده که این روایات، مطلق اختلاط را بیان می‌کند، یعنی اختلاط به هر نحوی که باشد، مستلزم پرداخت خمس نیست؛ ما یقین داریم این مخالف با چیزی است که بین فقها متسالم است. در بین فقها این از مسلمّات است که مال غیر را نه می‌توان خرید و نه می‌توان در آن تصرف کرد. یعنی حرمت تکلیفی و حرمت وضعی دارد. کسی که مال غیر را بخرد، هم گناه کرده و هم حق ندارد در آن مال تصرف کند.

پس اگر ما با روایاتی مواجه شدیم که مفاد آن با یک امر مسلمّ فقهی منافات دارد، چاره‌ای نداریم که در آن تصرف کنیم. لذا می‌گوییم این روایات با روایات سابقه، تقیید می‌شود. کأنه آن روایات، مقید این روایات می‌شوند. روایاتی که می‌گویند خمس باید از مال حلال مخلوط به حرام داده شود، این روایات را تقیید می‌زنند و نتیجه این دو دسته روایات این می‌شود که تصرف در مال حلال مخلوط به حرام، در صورتی جایز است که خمس آن داده شود.

کأن یک روایت گفته تصرف در مال حلال مخلوط به حرام اشکال ندارد مطلقاً؛ اما یک دسته روایات گفته تصرف در مال حلال مخلوط به حرام جایز است به شرط این که خمس آن داده شود. این روایات تقیید می‌زنند آن مطلقات را و نتیجه می‌شود: لزوم اخراج خمس در مال حلال مخلوط به حرام.

#### **جمع بندی**

به بیان ساده‌تر دسته اول از روایات معارضه، صلاحیت تعارض با روایات دال بر وجوب خمس در مال حلال مخلوط به حرام را ندارند. چون:

**اولاً:** این روایات [معارضه] در واقع مربوط به فرضی است که در آن خریدن مال همراه با احتمال حرام بودن باشد، یعنی ما احتمال می‌دهیم که در مال خریداری شده، اختلاط صورت گرفته باشد. در حالی که موضوع روایات سابقه، جایی است که ما به اختلاط یقین داریم.

**ثانیاً:** بر فرض هم این روایات از این جهت مثل روایات قبل باشند و اختلاط قطعی باشد، باز موضوعاً با روایات گذشته متفاوت هستند. چون آن روایات مربوط به جایی است که اختلاط نزد خود شخص و عند نفسه واقع شده باشد؛ اما فرض روایاتی که ادعای تعارض آن‌ها مطرح شده، جایی است که اختلاط عند الغیر واقع شده است. یعنی نزد سارق، ظالم و غاصب مخلوط شده و الان با سبب شراء، به خریدار منتقل می‌شود.

**ثالثاً:** اگر از دو اشکال گذشته صرف نظر کنیم و بخواهیم به اطلاق روایات معارض استناد کنیم، می‌گوییم اطلاق این روایات قابل قبول نیست چون مخالف با یک امر مسلم عند الفقهاء است که ما نمی‌توانیم در مال غیر تصرف کنیم. لذا این را با روایات گذشته مقید می‌کنیم. یعنی کأنه این روایات در موارد علم اجمالی به ما حکم عدم لزوم اجتناب را بیان می‌کند. ما علم اجمالی داریم که این مال مخلوط است؛ در موارد علم اجمالی باید اجتناب کرد که این مسأله طبق قاعده هم هست. مال غیر است و باید از تصرف در مال غیر اجتناب کرد.

اما این روایات می‌گویند اشکال ندارد و شما هر گونه که می‌خواهید تصرف کنید. این مخالف با ما تسالم علیه الفقهاء است. پس ناچار هستیم که این را تقیید بزیم و بگوییم این تصرف و عدم البأس، مربوط به جایی است که خمس این مال داده شود؛ یعنی مطلقاً جایز نیست. عدم البأس و جواز تصرف در مال حلال مخلوط به حرام که ما مقدار آن و صاحب آن را نمی‌دانیم، این است که خمس آن داده شود و آن وقت مال پاک شود. پس طایفه اول صلاحیت تعارض ندارد.

### طایفه دوم روایات معارض

اما دسته دوم روایاتی هستند که دلالت می‌کنند بر حلیت مال حلال مخلوط با ربا. این روایات به خصوص در باب ربا است. در طایفه اول سخن از اختلاط مال حلال با مال مسروقه و مغصوبه و مالی بود که به ظلم اخذ شده است. در این جا بحث از اختلاط مال حلال با ربا است در صورتی که صاحب آن معلوم نباشد. چند روایت وجود دارد که طبق این روایات اگر مالی با ربا مخلوط شد و صاحب آن معلوم نبود، می‌توان در آن مال تصرف کرد و هیچ سخنی از اخراج خمس نیست.

### روایت اول

از جمله این روایات، روایت صحیح حلی است که قبلاً هم خوانده شد: «عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: أَتَى رَجُلٌ أَبِي (ع) فَقَالَ إِنِّي وَرَثْتُ مَالًا وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ صَاحِبَهُ الَّذِي وَرِثْتُهُ مِنْهُ قَدْ كَانَ يُرْبِي وَقَدْ أَعْرَفْتُ أَنَّ فِيهِ رَبًّا وَأَسْتَيْقِنُ ذَلِكَ وَ لَيْسَ يَطِيبُ لِي حَالَالُهُ لِحَالِ عِلْمِي فِيهِ وَقَدْ سَأَلْتُ فَقَهَاءَ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَأَهْلِ الْحِجَازِ فَقَالُوا لَا يَحِلُّ أَكْلُهُ». امام صادق (ع) می‌گوید مردی به نزد پدرم امام باقر (ع) آمد و این چنین گفت: مالی به دست من آمده که می‌دانم صاحب آن مال، اهل ربا بوده است. این که می‌گوید به دستم آمده، منظور این است که خریده بوده یا از طریق هدیه بوده و یا از طرق دیگر، من می‌دانم که بخشی از این مال، مال ربوی است. آن مرد به پدرم گفت: من از فقهای عراق و فقهای حجاز سؤال کردم که آیا تصرف در این مال جایز است یا خیر؟ و آن‌ها گفتند لایحل آکله.

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ بَأَنَّ فِيهِ مَالًا مَعْرُوفًا رَبًّا وَ تَعْرِفُ أَهْلَهُ فَخُذْ رَأْسَ مَالِكَ وَ رُدُّ مَا سِوَى ذَلِكَ»؛ امام باقر (ع) فرمود: اگر می‌دانی که در این مال، مال معروف و شناخته شده ربوی هست، مال خودت [یعنی آن مقداری که ربا نیست] را از آن مال ربوی جدا کن؛ اگر صاحب آن مال را می‌شناسی، مال ربوی را به صاحبش بده. «وَ إِنْ كَانَ مُخْتَلِطًا فَكُلْهُ هَنِيئًا فَإِنَّ الْمَالَ مَالِكَ وَ اجْتَنِبْ مَا كَانَ يَصْنَعُ صَاحِبُهُ...»؛ اما اگر حلال با حرام مخلوط است، در آن تصرف کن و این بر تو گوارا باشد و این مال برای توست و از کاری که او کرده (ربا) اجتناب کن...<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - آدرس روایت: وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۹، باب ۵ از ابواب ربا، ح ۳.

این روایت با روایات قبلی معارض است. طبق آن روایات در حلال مخلوط به حرام، باید خمس بدهد تا مال پاک شود اما این جا اصلاً سخن از پرداخت خمس نیست.

#### روایت دوم

عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) كُلُّ رَبِّا أَكَلَهُ النَّاسُ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْهُمْ إِذَا عُرِفَ مِنْهُمْ التَّوْبَةُ وَ قَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا وَرَثَ مِنْ أَبِيهِ مَالًا وَقَدْ عَرَفَ أَنَّ فِي ذَلِكَ الْمَالِ رَبِّا وَلَكِنْ قَدْ اخْتَلَطَ فِي التِّجَارَةِ بِغَيْرِهِ حَلَالٌ كَانَ حَلَالًا طَيِّبًا فَلْيَأْكُلْهُ؛ امام (ع) در این جا فرموده هر مال ربایی که مردم از روی جهالت می‌خورند و بعد [موضوعاً یا حکماً] می‌فهمند که این مال ربوی بوده و بعد توبه می‌کنند، این از آن‌ها قبول می‌شود. بعد امام می‌فرماید: اگر مردی از پدرش مالی به او برسد و او بداند که در این مال، ربا وجود دارد؛ منتهی در تجارتی که پدرش داشته یا خودش داشته، این مال مخلوط شده با آن مال ربوی، اشکالی ندارد و این بر او حلال و طیب است و می‌تواند در آن تصرف کند.

«وَإِنْ عَرَفَ مِنْهُ شَيْئًا أَنَّهُ رَبِّا فَلْيَأْخُذْ رَأْسَ مَالِهِ وَ لِيُرِدَّ الرَّبِّا»؛ اما اگر به خصوص می‌داند که کدام مال، مال ربوی است، مال خودش را بگیرد و آن مال را برگرداند. «وَ أَيْمًا رَجُلٍ أَفَادَ مَالًا كَثِيرًا قَدْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الرَّبِّا فَجَهْلَ ذَلِكَ ثُمَّ عَرَفَهُ بَعْدُ فَأَرَادَ أَنْ يَنْزِعَهُ فِيمَا مَضَى فَلَهُ وَ يَدْعُهُ فِيمَا يَسْتَأْنِفُ»؛ می‌فرماید: هر کسی که یک مال کثیری به دست او آمده که در این کثرت، ربا وجود داشته است و این شخص نمی‌دانسته و بعداً فهمید که در این مال، ربا هست و اکنون می‌خواهد جدا کند، این را جدا کند و آن چه که گذشته اشکالی ندارد.

این روایت احتمال دارد که با روایت حلبی یکسان باشد. چون همین روایت را با یک تفاوت‌هایی هم شیخ طوسی در تهذیب نقل کرده و هم شیخ صدوق.

آن چیزی که شیخ طوسی نقل کرده، از حلبی نقل کرده ولی یک تفاوتی دارد و در آخر روایت این عبارت را دارد: «فَلْيَأْخُذْ رَأْسَ مَالِهِ وَ لِيُرِدَّ الزِّيَادَةَ»؛ رأس المال را بگیرد و زیاده را برگرداند.

همین روایت را شیخ صدوق به صورت مرسل نقل کرده ولی از مراسیل معتبر شیخ صدوق است. در ادامه نقل کافی که فرمود: «فِيمَا مَضَى فَلَهُ وَ يَدْعُهُ فِيمَا يَسْتَأْنِفُ»؛ اما در آن چه که شیخ صدوق نقل کرده، این چنین آمده: «بِغَيْرِهِ فَإِنَّهُ لَهُ حَلَالٌ طَيِّبٌ فَلْيَأْكُلْهُ وَ إِنْ عَرَفَ مِنْهُ شَيْئًا مَعْرُولًا أَنَّهُ رَبِّا»<sup>۳</sup>.

مجموعاً احتمال دارد که این روایات یکی باشد و ممکن است متعدد باشد. صاحب وسائل این‌ها را متعدد نقل کرده ولی چه یکی باشند و چه متعدد باشند، مضمون آن این است که مال حلال مخلوط با ربا، تصرف در آن جایز است بدون این‌که خمس بدهد و این معارض است با روایاتی که ما قبلاً داشتیم. آن روایات برخلاف این روایات، دال بر جواز تصرف به شرط اعطای خمس بود.

«الحمد لله رب العالمين»

<sup>۱</sup> - کافی، ج ۵، ص ۱۴۵، ح ۴. وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۵ از ابواب الربا، ح ۲.

<sup>۲</sup> - تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۶، ح ۶۹.

<sup>۳</sup> - من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۵، ح ۷۸۷.